



گفت و گو با دکتر عباس خامه یار در باره مقاومت لبنان و
بحر رسانه‌ای حزب الله

کلیات مسائل اللذله

علی شیرازی

دکتر عباس خامه یار، معاون پژوهش و ارتباطات فرهنگی بنیاد شهید و امور ایثارگران، متولد ۱۳۲۶ در شهر مقدس قم است. وی در دو، سه دهه پس از انقلاب در خصوص مسائل برون مرزی، به صورت غیر دائم و پراکنده، فعالیت داشته است که پس از آن به طور جدی وارد این امور شده و سمت‌های وابسته فرهنگی ایران در لبنان، مسؤول رادیو صوت المستضعفین در لبنان از سال ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۶، فعالیت در سازمان ارتباطات اسلامی، رایزنی فرهنگی ایران در قطر به مدت شش سال، سردبیری روزنامه «الوفاق» در گذشته و سردبیری مجله «شاهد یاران»، «الوحده» و مجلات بنیاد شهید در حال حاضر از جمله فعالیت‌های اوست. دکتر خامه یار در حال حاضر در بنیاد شهید انقلاب اسلامی مشغول خدمت‌رسانی است و دارای مدرک کارشناسی و کارشناسی ارشد علوم سیاسی و دکترای روابط بین‌الملل است. مجموعه این شرایط، او را به فردی زبده و صاحب‌نظر در زمینه کارشناسی مسائل لبنان بدل کرده است که دیدگاه‌هایش را می‌خوانید.

راز موفقیت رسانه‌های حزب‌الله این بود که حزبی و طایفه‌ای عمل نکرد، در عین حال خیلی باسعه صدر و باز برخورد کرد

جناب دکتر، با توجه به محدودیت‌های جنبش حزب‌الله و مجموعه جنبش مقاومت لبنان، در زمینه‌های نظامی و رسانه‌ای، فعالیت رسانه‌ای حزب‌الله، به‌ویژه شبکه «المنار»، را چگونه تحلیل، آسیب‌شناسی و بررسی و چه راه‌کارهایی برای بهبود وضعیت رسانه‌های شبکه المنار و مجموعه جنبش مقاومت لبنان ارائه می‌کنید؟

محدودیت همیشه باعث محرومیت و عدم موفقیت نمی‌شود. مهم، مدیریت امکانات، ظرفیت‌ها و بحران است. حزب‌الله به‌زیبایی هم



کند ولی خوشبختانه موفق نشد. بزرگ‌ترین سازمان‌ها و گروه‌های جاسوسی وابسته به اسرائیل در لبنان، با همه پیشرفت‌هایی که چنین تشکیلاتی داشتند و با برخورداری از تکنولوژی بسیار بالا در زمینه جاسوسی، توسط حزب‌الله متلاشی شدند. در زمینه روان‌شناسی هم همین‌گونه بود، یعنی حزب‌الله به‌خوبی توانست در جبهه روانی با دشمن مقابله کند و پیروز شود. در مساله سیاسی هم تفاهم‌نامه «دوحه» نتیجه بردباری و بازیگری بسیار قوی حزب‌الله در لبنان بود. نتیجه می‌گیریم که در همه عرصه‌ها حزب‌الله این‌گونه عمل کرده است. حزب‌الله در حیطه رسانه‌های امکانات بسیار ضعیفی داشت، فقط رادیویی به نام «النور» و رسانه‌ای به نام «المنار». النور و المنار نخستین تشکیلات حزب‌الله بودند که به‌محض آغاز جنگ آسیب دیدند و به‌طور کلی ویران شدند. علت آن هم تأثیرگذاری این دو رسانه بر عموم لبنانی‌ها و مسلمانان بود. المنار و النور با نخستین ضربه با خاک یکسان شدند، منتها حزب‌الله این آمادگی را داشت که بعد از چند دقیقه توانست پخش مجدد برنامه‌ها را آغاز کند. حزب‌الله به‌خوبی توانست این امکانات محدود رسانه‌ای را در کشوری چندطایفه‌ای که چندپارگی فرهنگی، قومی، سیاسی و عشایری در آن مشهود است - به‌طور رسمی ۱۷ طایفه در لبنان زندگی می‌کنند - مدیریت کند. طبیعتاً رسانه حزب‌الله براساس ساختار، وضعیت جمعیتی و طایفه‌ای لبنان باید رسانه‌های طایفه‌ای باشد. این هم از انتظارات شیعیان لبنان است و هم ساختار طایفه‌ای و مجموعه مقاومت آن را می‌طلبد، ولی خوشبختانه حزب‌الله این‌گونه عمل نکرده است. به همان اندازه که شیعیان طرفدار و بیننده المنار بودند، سنی‌ها و مسیحیان، حتی سنی‌های خارج از لبنان، هم آن را مشاهده می‌کردند. به نظر من این پارادوکسی قوی بود که حزب‌الله از یک‌جا باید منافع طایفه‌ای و گروهی خود را تأمین کند و از طرفی فراگیر باشد و بتواند دیگران را هم جذب کند. حزب‌الله در خصوص رسانه و به‌ویژه المنار این‌گونه عمل کرد و توانست رسانه پربیننده خود را بر جهان عرب و حتی جهان اسلام به‌گونه‌ای تحمیل کند که در روزهای جنگ ما شاهد آن بودیم. ما با یک امپراتوری رسانه‌ای عربی، به‌خصوص از طرف رقیبان، مواجه بودیم که این امپراتوری را در رسانه‌های عربستان سعودی بهتر می‌شود درک کرد. عربستان سعودی تلویزیون mbc را با همه شبکه‌های وابسته داشت، هم چنین تلویزیون «الآخباریه» که مخصوص قشر خاصی است و «العریبه» که برای عموم اعراب خارج از عربستان پخش می‌شود. در رسانه‌های مکتوب هم همین‌گونه بود؛ روزنامه «الشرق الاوسط» به عده‌ای و «الحیات» به عده‌ای دیگر تعلق داشت، «المسلمون» مخصوص اسلام‌گرایان و مجله «الوسط» مختص تعداد دیگری از مخاطبان عرب‌زبان روشن‌فکر بود و مجله «المجله» ویژه عده‌ای و «الشرق الاوسط» برای جنگجی‌های عرب، روزنامه‌های مخصوص بود. با این امپراتوری رسانه‌ای که همه در برابر رسانه حزب‌الله قرار داشتند، حزب‌الله توانست بر این قضیه فاتح بیاید و خوشبختانه علاوه بر بهره‌گیری از رسانه‌های المنار و النور توانست با سامان‌دهی و سازمان‌دهی، از بسیاری رسانه‌های منطقه‌ای که امروزه به نام اتحادیه‌های رادیوها و تلویزیون‌های

در جنبه نظامی، هم اطلاعاتی و هم در جنبه‌های روانی، سیاسی و رسانه‌ای، کار را مدیریت کرد و در این زمینه بسیار موفق ظاهر شد، به‌گونه‌ای که همه مخالفان، رقیبان و دشمنان خود را شکست‌زده کرد، ما کم‌تر در زمینه تشکیلاتی و عموماً امنیتی، شاهد بوده‌ایم که یک حزب سیاسی، به‌خصوص در جهان عرب، این‌قدر نفوذناپذیر بوده باشد و نمونه‌ای نداشته‌ایم که نفوذی دشمن در حزب‌الله رخنه کرده باشد و بتواند به ساختار و تشکیلات حزب‌الله ضربه درونی بزند و این امر زبان‌زد همه تشکیلاتی‌ها و سیاسیون عرب است. در جنگ ۳۳ روزه، دشمن خیلی تلاش می‌کرد تا نفوذ

جهان اسلام شناخته می‌شوند. و چندی پیش هم اجلاس آن در تهران برگزار شد. استفاده کند و این‌ها به عنوان یک مکمل توانستند اهداف حزب‌الله و المنار را دنبال کنند. تلویزیون المنار آن قدر قدرت داشت که در یک حرکت کم‌سابقه، به عبارتی بی‌سابقه، بعضی کشورهای اروپایی مثل فرانسه، عملاً مجبور شدند بخش ماهواره‌ای المنار را در کشورهای خود ممنوع اعلام کنند و از طریق قوه قضائیه پی‌گیر شوند و با اتهام یهودی‌ستیزی، بخش ماهواره‌ای المنار را متوقف سازند.

برای مستمسک قرار دادن این توقف بخش، آیا آن‌ها برنامه یا فیلم خاصی مورد نظرشان بود تا بدان بهانه از بخش برنامه‌های آن شبکه جلوگیری کنند؟

درست است که دشمنی با صهیونیست‌ها در لفاظیه یهودی‌ستیزی مستمسک قرار گرفت، اما حزب‌الله در شکایت‌هایش توانست اسناد و مدارکی ارائه دهد و برائت خود را اثبات کند. البته این یک تصمیم سیاسی بود، نه قضایی و ناشی از فشار لابی‌های موجود در این کشورها بود، چون المنار صدای رسای مقاومت و صدایی تأثیرگذار بود و طبق آمارهایی که بسیاری از مراکز نظرسنجی ارائه داده بودند، پربیننده‌ترین رسانه جهان عرب در طول روزهای جنگ محسوب می‌شد.

شما به‌عنوان یک استاد علوم سیاسی که در بحث رسانه هم تبحر دارید، بفرمایید حزب‌الله چه پیش‌زمینه‌ای در خصوص کار رسانه‌ای داشت که صوت‌المستضعفین، شبکه رادیویی النور و شبکه تلویزیونی المنار توانستند میدان را در جنگ رسانه‌ای با اسرائیل غاصب قبضه کنند؟

حزب‌الله در این زمینه خیلی فقیر بود و النور و المنار در سال‌های اخیر فضایی کاملاً رسانه‌ای داشته‌اند و در جایی تاسیس شدند که شاید بیش از یک‌صد شبکه تلویزیونی وجود داشت و حزب‌الله و طایفه شیعیان که طایفه فقیری بوده‌اند از هیچ رسانه‌ای بهره‌مند نبودند. رادیو صوت‌المستضعفین از بعلبک برنامه پخش می‌کرد و تنها رسانه حزب‌الله بود که صدای آن به‌سختی تا حدودی به مرزهای شمالی فلسطین اشغالی یا مرزهای جنوبی لبنان می‌رسید و عامل بسیج‌کننده مردم بود. البته شیعیان در همه زمینه‌ها، از جمله مسائل علمی و دولتی، بسیار فقیر بودند و محروم نگه داشته شده بودند و ایجاد جنبش «حرکه المحرومین» که توسط امام موسی صدر تشکیل شد، به‌سبب جبران این ضعف‌ها و محرومیت‌ها بود. در حقیقت حزب‌الله یا کلا شیعیان، نیروهای هرچند تعبیر خوبی نیست -دون پایه احزاب سیاسی چپ در لبنان بودند. علت آن هم این بود که به‌دنبال محرومیت‌زدایی بودند و این حرکت را در شعارهای پرطمطراق احزاب سیاسی چپ لبنان یا فلسطین در منطقه می‌دیدند و هیزم این احزاب بودند که امام‌صدر حرکه المحرومین را تشکیل داد و پس از آن حزب‌الله و مقاومت تأسیس شدند و تحول جدی، بسیار بزرگ و شگفت‌انگیزی در منطقه و لبنان به‌وجود آمد، ولی به هر حال امکاناتشان ضعیف نبود. یاد می‌آید که در صوت‌المستضعفین که مسئولیت آن را من برعهده داشتم ما با یک ماشین ون تبدیل‌شده به یک بخش سیار، در کوچه‌های شهر بعلبک حرکت و برنامه پخش می‌کردیم تا از مبارزان دشمن در امان بمانیم. با این وضعیت بارها رادیو

صوت‌المستضعفین مورد حمله هوایی دشمن قرار گرفته بود و ساعت‌ها، روزها یا هفته‌ها این برنامه‌ها قطع می‌شد. متأسفانه حزب‌الله امکانات بالقوه یا بالفعلی نداشت، ولی فضای رسانه‌ای لبنان به‌گونه‌ای بود که می‌شد این تجربیات را از دیگران گرفت، آموخت و طایفه‌ای عمل نکرد، در عین حال خیلی باسعه صدر و باز برخورد کرد. شاید باور نکنید که بسیاری از مردم شمال آفریقا، که من به آن کشورها سفرهای بسیاری کرده‌ام، و کشورهای عربی مثل تونس، سودان، مصر، مراکش و الجزایر منتظر برنامه‌های حتی فرهنگی، غیر خبری و مذهبی شبکه المنار بودند و هنوز هستند. با وجود این که بسیاری از برنامه‌های مذهبی مختص شیعیان است، اما حزب‌الله چه‌رهای کاملاً غیرطایفه‌ای از خود نشان داد و درهای خود را به روی همه گروه‌های سیاسی، مذهبی و حتی مسیحی باز کرد. هم چنین از ورود به مسائل کاملاً حزبی بسته، جناحی و مذهبی صرف پرهیز می‌کرد و این راز موفقیت اساسی حزب‌الله بود.

آقای دکتر، فعالیت‌های رسانه‌ای جهان اسلام در پوشش جنبش مقاومت لبنان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ در بخش مطبوعات، آن‌ها چه فعالیت‌هایی دارند؟

آن‌ها هفته‌نامه‌ای به نام «الانقاذ» (نجات) دارند که خیلی مطرح نیست و هم‌اکنون روزنامه «الاخبار» را منتشر می‌کنند که قطعاً یکی از پرتیراژترین و بزرگ‌ترین روزنامه‌های لبنان است و غیر مستقیم دیدگاه‌های حزب‌الله را مطرح می‌کند و رقیب روزنامه‌هایی مانند «الستفیر» و «النهار» است که این دو از روزنامه‌های مطرح جهان عرب بوده‌اند و جایگاه رسانه‌ای لبنان زبان‌زد همه است. گفته می‌شود در زمان جمال عبدالناصر که امکانات اینترنتی و ماهواره‌ای وجود نداشت، ایشان منتظر می‌شده‌است تا روزنامه‌های لبنان از طریق هواپیما به او برسد تا آن‌ها را بخواند. در آن زمان دو روزنامه «الستفیر» و «النهار» مطرح بوده‌اند که روزنامه تحت حمایت حزب‌الله «الاخبار» در برهه اخیر توانسته با این دو روزنامه بزرگ رقابت کند. در مقابل آن، جهان اسلام در بخش‌های رسانه‌ای برای مقاومت درباره مطبوعات، رادیو، تلویزیون و اینترنت چه کاری انجام داده است؟

منظورتان از جهان اسلام چیست؟
هر کجا به‌غیر از خود لبنان.

بخشی از رسانه‌ها، شبکه‌های مستقلی بودند که بر اساس دیدگاه‌های خودشان عمل می‌کردند و بخشی هم شبکه‌های وابسته به رژیم‌ها و حکومت‌های منطقه‌اند و دیدگاه‌های رسمی این کشورها را مطرح می‌کنند. شبکه‌های مستقل براساس دیدگاه خود عمل کرده و به‌خوبی هم وارد صحنه لبنان و مقاومت شده‌اند. شبکه‌هایی هم که دیدگاه‌های دولت‌ها را مطرح می‌کردند، بالطبع بر اساس صفتندی‌ای که در جهان عرب به‌وجود آمده بود و عده‌ای طرفدار حزب‌الله و مقاومت بودند و عده‌ای جنگ را ماجراجویانه معرفی می‌کردند، عمل می‌کردند. نخستین بار وزیر خارجه عربستان سعودی از این‌ها به‌عنوان «المغامرون» یا ماجراجویان یاد کرد. رسانه‌های این کشورها که شامل بخشی از رسانه‌های وابسته به دولت مصر، دولت عربستان و دولت‌های

محدودیت همیشه باعث محرومیت و عدم موفقیت نمی‌شود. مهم، مدیریت امکانات، ظرفیت‌ها و بحران است. حزب‌الله به‌زیبایی هم در جنبه نظامی، هم اطلاعاتی و هم در جنبه‌های روانی، سیاسی و رسانه‌ای، کار را مدیریت کرد



العربيه، خيلي روشن، باز و با شفافيت تمام به حمله به مقاومت، حزب الله و تخطئه مقاومت اسلامي لبنان پرداخت كه اين، نشان دهنده خط رسانه‌اي دولتي جهان عرب بود

منطقه به‌ویژه شبکه «العربيه» می‌شد، بسیار بد عمل کردند و به‌شدت به طرفداری از دیدگاه‌های حکومت‌های عربی پرداختند و در سطح رسانه‌ای، هم‌سو با دشمن عمل می‌کردند.

یعنی در جهان اسلام هم صف‌بندی دشمن و خودی به‌وجود آمده بود؟

بله، کاملاً به‌وجود آمده بود. در مقطعی من با مسؤول شبکه العربيه تماس گرفتم و گفتم که ما معتقدیم هیچ رسانه‌ای در جهان عرب مستقل نیست و به‌گونه‌ای حمایت می‌شود، به‌خصوص شبکه‌های ماهواره‌ای، ولی در این جنگ مهم این است که حرف‌های عمل شود. شما حتی کار حرف‌های تان را هم کنار گذاشته‌اید. العربيه، خيلي روشن، باز و با شفافيت تمام به حمله به مقاومت، حزب الله و تخطئه مقاومت اسلامي لبنان پرداخت که این، نشان دهنده خط رسانه‌ای دولتي جهان عرب بود. خطی هم وجود داشت که در کنار حزب الله قرار گرفت و به‌شدت افکار عمومی جهان عرب و جهان اسلام را دگرگون کرد و منعکس‌کننده پیروزی‌های حزب الله بود. در این بین، شاید تلویزیون المنار نقشی اساسی داشت و شبکه‌های العالم، سحر و کوثر که به‌نحوی از ایران برنامه پخش می‌کردند، هم نقش عمده‌ای داشتند. با این وجود نقش عمده شبکه «الجزیره» قطر را نباید فراموش کرد. شبکه الجزیره در جنگ ۲۳ روزه - به دلایل مختلف، از جمله رقابت با عربستان سعودی بر اثر اختلافات تاریخی، سرزمینی و سیاسی، هم چنین قرائت درستی که نسبت به آینده جنگ و افکار عمومی جهان عرب داشتند و افکار عمومی جهان به‌شدت طرفدار مقاومت بود که شاید به‌نوعی موج‌سواری محسوب می‌شد - می‌خواست افکار عمومی جهان عرب را به خود معطوف کند. علاوه بر آن نقش خبرنگاران و مسؤولان این شبکه در لبنان که توانستند به‌خوبی مدیران خود را توجیه کنند، نقش مؤثری بود. الجزیره برخلاف نقش تخریب‌کننده‌اش در مسائل و جنگ‌های طایفه‌ای عراق، در جنگ لبنان نقش بسیار خوبی داشت و پاداش خود را هم به‌سبب ارائه اطلاعات مهم و دست اول از

حزب الله و سیدحسن نصرالله گرفت. پاداش آن‌ها چه بود؟

حزب‌الله برنامه‌های ویژه، اخبار ویژه و مصاحبه‌های ویژه‌ای با الجزیره، به‌خاطر مواضع الجزیره و برد بسیار گسترده این شبکه، انجام می‌داد. عمل کرد شبکه‌ها بدین گونه بود که عده‌ای که مخالف مقاومت بودند به‌شدت حمله می‌کردند و عده‌ای هم که موافق بودند، حزب‌الله برنامه‌های ویژه، اخبار ویژه و مصاحبه‌های ویژه‌ای در اختیارشان می‌گذاشت که الجزیره جزء دسته دوم بود. عمل کرد شبکه‌ها به این گونه بود که عده‌ای که مخالف مقاومت بودند به‌شدت به آن حمله می‌کردند و عده‌ای هم که موافق بودند از مقاومت حمایت می‌کردند. البته زیباترین جلوه‌های حمایت ملت‌های عربی توسط این شبکه‌ها منعکس شد و جامعه عرب را متحول کرد. ما نباید مصاحبه خانم «ریم» را که به‌شدت به رهبران حمله کرد و گفت: «من می‌خواهم عبای سیدحسن را قطعه‌قطعه کنم و قطعات آن را در کشورهای مختلف پخش کنم تا شاید رهبران عرب بر سر غیرت بیایند و از این فضا استفاده کنند و در کنار ملت‌ها قرار بگیرند.» را فراموش کنیم یا صحبت‌های خواننده معروف لبنانی جولیا پتروس که در مصاحبه خود جهان عرب را دگرگون کرد. ایشان هم از رهبران عرب به‌عنوان افراد بی‌شرفی یاد کرد که نیاز به گرفتن شرافت از مقاومتین لبنانی دارند و شعرهای سیدحسن به رزمندگان را نیز اجرا کرد.

می‌دانید که هنرمندان لبنانی، به‌ویژه خوانندگان آن‌ها، در سطح جهان عرب و حتی خاورمیانه و نقاط دیگر جهان محبوبیت عام دارند، باز تاب کار آن‌ها چه بود؟

وقتی جولیا که یک خواننده ملی مسیحی است یا «مرسیل خلیفه» که خواننده ملی و مسیحی لبنانی و در جهان پراوازه است و به‌عنوان تفسیر لبنان در یونسکو یا سفیر ستار لبنان در مراکز فرهنگی جهان معرفی شده است، از این تریبون استفاده و از سیدحسن طرفداری کنید، چون مسلمان و شیعه و اساساً حزبی هم نیستند، طبیعتاً انعکاس این برخوردها توسط برخی از شبکه‌های جهان اسلام افکار جهان را متحول می‌کند.

این واکنش‌ها چه بود؟

تأثیرپذیری ملت‌های عربی از این شبکه‌ها، خوانندگان و علما متقابل بود. در میان علما نیز همین واکنش‌ها را داشتیم. وقتی رهبر اخوان‌المسلمین خود را به‌عنوان سرباز کوچک سیدحسن معرفی و این نکته را با صدای بلند اعلام می‌کند یا وقتی آقای دکتر محمد العماره، از اندیشمندان معروف مصری، در یک برنامه مستقیم رسانه‌ای در مصاحبه با یکی از شبکه‌ها فریاد می‌زند: «این‌جا مذهب، دین و طایفه معنا ندارد، ما باید در حمایت از مقاومت اسلامی به‌پا خیزیم حتی با تباکی و اشک ریختن»، طبیعتاً تأثیرگذار خواهد بود. حتی مسابقات ورزشی فلسطینی‌ها با عنوان مسابقات «بیهات منا الذله» اجرا می‌شود و آن‌ها این را جمله سیدحسن نصرالله می‌دانند یا تظاهرات یک‌میلیونی مردم مراکش که فقط یک شعار و یک پلاکارد در آن حمل می‌شد و آن هم «همه ما ماجراجو هستیم»، به تعبیر وزیر خارجه عربستان سعودی الفیصل بود، چون او نخستین‌بار همه لبنانی‌ها و حزب‌اللهی‌ها را ماجراجو معرفی کرد. وقتی این صحنه‌ها که از زیبایی‌های جنگ ۲۳ روزه است و در تاریخ مبارزاتی جهان عرب و جنگ‌های اعراب و اسرائیل بی‌سابقه بوده، در این شبکه‌ها منعکس می‌شود، متقابلاً این انعکاس بر ملت‌های دیگر عرب تأثیر می‌گذارد. به نظر من، نقش اساسی در این اطلاع‌رسانی را رسانه‌ها ایفا کردند. ■